

نفت ایران: برکت و بلا

جهانگیر آموزگار

در نیمه اول سال ۲۰۰۸، و صدمین سالگرد کشف نفت تجاری در ایران، ذخیره نفتی کشور، بهای نفت خام، ذخیره ارز خارجی، درآمد سالانه از صادرات نفت، تراز سالانه بازرگانی خارجی، همه به رکوردهای تاریخی دست یافتند. (۱) امروز ایران همچنان صاحب دومین ذخیره بزرگ گاز طبیعی در جهان است. چنین ثروت عظیمی طبیعتاً مایه رشک کشورهای فاقد نفت و در حال رشدی است که با مشکل دوگانه کمبود سرمایه برای توسعه اقتصادی و هزینه فزاینده انرژی رو به رو هستند. کشورهای پیشرفته وابسته به انرژی نیز که باید هزینه روزافزون نیازهای وارداتی خود را بپردازند و به کسری موازنه خارجی نیز دچار اند به این موهبت حسد می‌ورزند. هدف این نوشته، اما، بررسی این ادعا است که این موهبت رشکانگیز مصیبت‌های پرهزینه‌ای نیز دربر دارد.

دامنه منابع انرژی سرشار ایران باگذشت بیش از یک قرن از کشف و استخراج نفت، ایران قدیمی‌ترین صادرکننده نفت در منطقه خلیج فارس است و باکشف مداوم میدان‌های نفتی، ذخیره آن همچنان از مجموع مصرف داخلی و صادرات نفتش فراتر می‌رود. ایران، که یکی از بنیانگذاران «سازمان کشورهای صادرکننده نفت، «اوپک»، بود از مقام چهارمین کشور تولیدکننده نفت در سال ۱۹۶۰، به دومین تولیدکننده بزرگ، در سال ۲۰۰۸، ارتقا یافته است. امروز، ذخائر شناخته شده نفت ایران در حدود ۵۲۰ میلیارد بشکه یا ۱/۶ درصد ذخائر جهان برآورد می‌شود. بر پایه برآوردی محتاطانه، اگر اکتشاف و بازیافت نفت نرخی بین ۲۴ تا ۲۷ درصد داشته باشد، ذخیره قابل استخراج کشور، یعنی ۱۳۸ میلیون بشکه نفت خام، ایران را در جایگاه دومین کشور نفت‌خیز جهان، پس از عربستان سعودی، قرار می‌دهد. مزیت خارق‌العاده نفت برای اقتصاد ایران، به جز حجم ذخائر و بهای فزاینده نفت خام، هزینه به نسبت پائین استخراج و سود بالای حاصل از فروش آن است. با توجه به هزینه متوسط استخراج انواع نفت خام ایران که در حدود بشکه‌ای ۴/۳۵ دلار است، از راه فروش هر بشکه به بهای متوسط ۷۳ دلار در سال ۲۰۰۷، سود خالص یا ارزش افزوده ایران از هر بشکه ۶۸/۶۵ بوده است. (۲)

درباره گاز طبیعی نیز می‌توان نقشی مشابه - یا حتی جذاب‌تر - ترسیم کرد. افزون بر ذخائر سرشار نفت، ایران از منابع گازی عظیم نیز بهره‌مند است. حجم گاز طبیعی آزاد و مشتقات آن در حدود ۵۰/۱ تریلیون متر مکعب برآورده می‌شود که ۵۹ درصد یا ۳۰ تریلیون آن قابل بهره‌برداری است. به این ترتیب، پس از روسیه، ایران با ذخائر گازی معادل ۱۵/۵ درصد کل ذخائر جهان در رده دوم قرار دارد. افزون بر این، به تخمین کارشناسان انرژی، بخشی از ذخایر بزرگ گازی ایران هنوز ناشناخته مانده و بیش از ۶۰ درصد آن هنوز به مرحله استخراج نرسیده‌اند. (۳) با این ذخیره هنگفت نفت و گاز، ایران را باید به راستی یک ابر قدرت انرژی در جهان شناخت. چند میدان نفتی زمینی و فراساحلی، ذخائر چشمگیر ذغال سنگ و یک برنامه هسته‌ای بلندپروازانه، بر موقعیت ایران به مراتب می‌افزایند.

چشم‌انداز دوام منابع

با این همه، موقعیت رشک‌آور ایران را چالش‌های دشوار، اما قابل حلّی، تهدید می‌کنند. نخست، بسیاری از حوزه‌های نفتی ایران قدیمی‌اند و سالانه بین ۵-۱۰ درصد به خاطر آسیب‌هایی که در جنگ هشت ساله ایران و عراق بر مخازن وارد آمده، نارسائی ضوابط نگهداری و فرسایش تدریجی تحلیلی می‌روند. (۴) دوم، بالا بودن یارانه دولتی نرخ مصرف داخلی انرژی ایران را به یکی از بالاترین نرخ‌های مصرف در دنیا رسانده است. به سبب بهای نازل انرژی در ایران - که معمولاً پایین‌تر از بهای تمام شده تولید و توزیع است - مصرف سرانه انرژی ۱۵ برابر ژاپن، ۱۰ برابر اتحادیه اروپا و ۸ برابر ایالات متحد آمریکا برآورد می‌شود. (۵) علاوه بر این، مصرف سرانه داخلی بنزین سالانه در حدود ۱۰ درصد و مصرف دیگر انواع فرآورده‌های نفت ۶ درصد در حال افزایش است. این افزایش به دو برابر نرخ متوسط رشد جهانی مصرف انرژی و تقریباً ۴ برابر نرخ رشد جمعیت در ایران می‌رسد. سوم، حداقل ۱/۸ تا ۲ میلیارد دلار از سرمایه‌گذاری لازم سالانه برای حفظ ظرفیت تولیدی و جبران کاهش ذخایر، و نیز ۱۰-۹ میلیارد دلار در سال که برای افزایش ظرفیت تولیدی ضروری است، بر اثر عوامل مختلف به تعویق افتاده است. برخی از این عوامل عبارت‌اند از: سرمایه‌گذاری ناکافی سالانه

به میزان کمتر از ۳ میلیارد دلار، (۶) اکراه شرکت‌های نفتی به سرمایه‌گذاری در ایران به دلیل جذاب نبودن پیمان‌های مبتنی بر بیع متقابل (buy back)، و تحریم‌های ایالات متحده آمریکا.

چهارم، به سبب افزایش تقاضای خانوارها، کارخانه‌ها، و اتومبیل‌ها برای گاز طبیعی، ذخیره لازم برای بازتزیق چاه‌های قدیمی نفت به منظور حفظ فشار لازم و یا تامین گاز صادراتی وجود ندارد. پنجم، اتومبیل‌های پرمصرف، اتلاف ۵۰ درصدی انرژی توسط دستگاه‌های کم‌راندمان خانگی و نرخ ۶۵ درصدی اتلاف انرژی در انتقال برق، همه و همه افزایش سالانه ظرفیت تولیدی را خنثی می‌کنند. ششم، در حدود ۱۵ درصد تولیدات سوختی به سبب قیمت بالاتر و ارزش ارزی بهتر از راه قاچاق به کشورهای همسایه سرازیر می‌شود.

برپایه عوامل بالا چند برآورد اخیر حاکی از آن است که ایران تا سال ۲۰۱۲ یا ۲۰۱۵ و یا ۲۰۲۰ کشور صادرکننده نفت نخواهد بود. (۷) هسته اصلی این استدلال آن است که ایران با یارانه‌های بیش از حد تقاضای انرژی را به طور مصنوعی افزایش داده، و در عین حال موضع سرسختانه و ستیزه‌جویانه دولت در زمینه غنی‌سازی اورانیوم و تحریم‌های آمریکا و سازمان ملل متحد، توان جمهوری اسلامی را در جلب و جذب فن‌آوری‌های مدرن برای افزایش تولیدکاهش داده است.

اما آنچه درستی پیش‌بینی‌های بدبینانه را مورد تردید قرار می‌دهد این واقعیت است که در سال‌های گذشته به ازای هر بشکه نفت خام استخراج شده، از راه اکتشافات جدید و پیشرفت تکنولوژی نزدیک به ۱/۳۲ بشکه نفت به مجموع ذخایر ایران اضافه شده است. (۸) تولید روزانه نفت خام ایران، در میانه سال ۲۰۰۸، ۴/۱ میلیون بشکه بود که از این مقدار نزدیک ۲/۵ میلیون بشکه در روز صادر می‌شد. بر اساس برنامه چهارم توسعه اقتصادی ایران، (۲۰۰۵-۲۰۱۰) ظرفیت تولید باید به ۵/۶ میلیون و تا سال ۲۰۲۰ به ۷ میلیون بشکه در روز برسد. هر چند هر دوی این هدف‌ها به دلایل مختلف مالی، اقتصادی و دیپلماتیک در حال حاضر از دسترس دور به نظر می‌رسند، اما تولید کنونی ۴/۳ بشکه در روز با یک برنامه عقلانی و با سرمایه‌گذاری داخلی مناسب می‌تواند به سطح پیش‌بینی شده برنامه چهارم برسد. به سخن دیگر، با اجرای یک برنامه کارآ برای حفاظت از تأسیسات تولیدی، و از راه پیگیری یک سیاست انرژی عقلانی، ایران می‌تواند تولید نسبتاً ارزان انرژی را برای چند دهه آینده تضمین کند. حتی بدون اکتشافات بزرگ جدید، ذخایر ایران با نرخ مصرف کنونی تا ۷۰ سال دیگر دوام خواهند آورد. (۹)

برای گاز نیز پیش‌بینی مشابهی قابل تصور است. در اوایل سال ۲۰۰۸، ایران به میزان بی سابقه ۴۷۰ میلیون متر مکعب گاز در روز برای نیاز داخلی مصرف کرده است. رقم کوچک ۳/۵ میلیارد متر مکعب که ایران از ترکمنستان برای مصرف استان‌های شمالی وارد کرده، تقریباً معادل ۴ میلیارد متر مکعب گاز صادر شده ایران به ترکیه است. (۱۰) شبکه گاز طبیعی ۶۰ درصد مصرف داخلی را در ۶۳۰ شهر و برای ۷۵ درصد جمعیت ایران تأمین می‌کند. نیروگاه‌های برق، خانه‌های مسکونی، واحدهای تجاری و بخش صنایع هریک به تقریب ۲۷ تا ۳۴ درصد گاز را مصرف می‌کنند و ۷/۵ درصد باقی مانده به صادرات و تزریق گاز به چاه‌های نفت اختصاص می‌یابد. انتظار می‌رود که افزایش قیمت و استفاده کارآتر از انرژی، نرخ سالانه رشد مصرف را از رقم فعلی ۱۲ درصد، در ۱۵ سال آینده به ۴ درصد کاهش دهد. در سال ۲۰۰۷ هنوز به سبب دشواری‌های مالی و فنی، ۸/۴ میلیارد متر مکعب گاز در سرچاه‌ها سوزانده می‌شد. بر اساس چشم انداز ۲۰ ساله که به تصویب مجلس و تأیید رهبر جمهوری اسلامی رسیده است، ایران باید بر اساس ذخایر شناخته شده فعلی و امکان بالقوه کشف حوزه‌های جدید تا سال ۲۰۲۴ به سومین تولیدکننده گاز در جهان تبدیل شود و تولید گاز سالانه آن از ۱۳۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۷ به ۴۷۵ میلیارد متر مکعب در همان سال افزایش یابد. بر اساس ارزیابی نارسای قربان، کارشناس انرژی، با توجه به همه عرصه‌های بالقوه مصرف گاز و حتی بدون کشف ذخایر جدید، ایران می‌تواند، در بخش بزرگی از قرن بیست و یکم، هم مصرف کننده عمده گاز و هم صادر کننده عمده آن باشد. (۱۱) براساس یک گمانه‌زنی دیگر، ایران می‌تواند، با بهره‌جویی از شیوه‌های استخراج کارآ، تا ۳۰۰ سال دیگر ذخایر گازی داشته باشد. (۱۲)

برکت‌های عمده نفت

ثروت نفت نه تنها پایه اصلی اقتصاد بلکه منبع اصلی رشد اقتصادی، فنی و اجتماعی- فرهنگی ایران بوده است. این نعمت که کشور را در مقام چهارمین تولید کننده نفت خام جهان و دومین در میان اعضای اوپک قرار داده، جمهوری اسلامی را از نظر ژئوپلیتیک، فرهنگی و اقتصادی به توانایی‌های قابل توجهی در منطقه رسانده است. گرچه «صنعت نفت» به هیچ وجه بزرگترین سهم را در تولید ملی ندارد، اما منبع اصلی بودجه دولت و عامل اصلی رشد اقتصادی کشور است. صادرات نفت به طور مستقیم ۵۹ درصد بودجه ۲۰۰۸-۲۰۰۹ و به طور غیرمستقیم ۷۰ درصد آن را از طریق مالیات بر فعالیت‌های

مربوط به نفت تامین کرده است. علاوه بر این، درآمدهای ارزی ایران از راه صادرات نفت، نقشی حیاتی در همه شاخه‌های دیگر اقتصاد کشور ایفا می‌کند. در بهترین حالت، صادرات غیرنفتی سالانه ایران فقط می‌تواند هزینه ۴ ماه از واردات کشور را تامین کند. تامین نیاز کشاورزی ایران نیز به شدت وابسته به کالاهای وارداتی است که با درآمد نفت خریداری می‌شوند. این گونه واردات تنها شامل ماشین‌آلات و یا کالاهای تجملی چون اتومبیل‌های لوکس خارجی، گوشت قرمز و میوه‌های کمیاب نیست بلکه فرآورده‌های اساسی مانند گندم، جو، ذرت، شکر، برنج و سیب‌زمینی را نیز در بر می‌گیرد. بسته به میزان بارندگی سالانه و سایر عوامل، تامین حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد نیاز غذایی ایران وابسته به واردات است. (۱۳) صنایع ایران نیز برای تامین ۲۵ تا ۶۰ درصد نیاز خود، به واردات مواد خام و کالاهای نیم‌ساخته از خارج وابسته‌اند. بیلان تجاری بخش خدمات کشور، نیز، منفی است.

این ثروت بادآورده با شکستن رکورد صد ساله، و ۵ برابر افزایش از ۱۶ میلیارد دلار به ۷۹ میلیارد دلار درآمد، در فاصله ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷، به جمهوری اسلامی موقعیتی منحصر به فرد برای تاثیرگذاری بر امنیت، ثبات و رفاه خاورمیانه بخشیده است. در عین حال، ایران سیاستی لوجانه و ناسازگار نسبت به غرب و به ویژه واشنگتن و اورشلیم در پیش گرفته است. برکات نفت علاوه بر کمک به دولت احمدی نژاد برای ارائه رشد مثبت تولید ملی و مقابله با تورم روز افزون و پرکردن حفره‌های متعدد اقتصادی، در تقویت موقعیت سیاسی ایران در جهان نیز نقشی اساسی ایفا کرده است. دولت ایران ضمن رد اتهام رسانه‌های غربی، حضور و فعالیت‌های خود را در عراق، افغانستان، لبنان و نوار غزه، سازنده و انسان‌دوستانه و از نظر اخلاقی قابل دفاع عنوان می‌کند. (۱۴) اما، آشکارا هیچ یک از این فعالیت‌ها بدون منابع مالی لازم، میسر نمی‌شد. ادامه برنامه هسته‌ای جاه‌طلبانه ایران نیز، هر هدفی که داشته باشد، بدون این منابع مالی امکان پذیر نبود.

یکی دیگر از تجلیات سیاست خارجی به اصطلاح «مستقل» ایران، یعنی پیگیری مواضع سخت در مقابل میانجی‌گران اروپایی و تعدیل آثار تحریم‌های آمریکا و قطع‌نامه‌های سازمان ملل متحد، پشت گرمی به درآمد نفت بوده است. شورای امنیت با پیشگامی آمریکا و با این فرض که هدف ایران از غنی‌سازی اورانیوم (ممکن است) دسترسی به سلاح‌های هسته‌ای باشد، در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ سه قطعنامه علیه ایران به خاطر ادامه غنی‌سازی، صادر کرد. (۱۵) شدیدترین اقداماتی که شورای امنیت در این قطعنامه‌ها علیه ایران پیشنهاد کرده ممنوع کردن شماری از مقامات دولتی ایرانی از سفر به خارج از کشور، مسدود کردن سرمایه‌ها و حساب‌های بانکی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران، محدودیت صدور کالاهایی که مصارف دوگانه دارند به ایران، تحریم صادرات تسلیحاتی ایران، بازرسی محموله‌های مشکوک و تحریم شده، و اعمال محدودیت برای آموزش شهروندان ایران در رشته‌های هسته‌ای است.

جمهوری اسلامی، به نوبه خود همواره ادعا کرده که فعالیت هسته‌ای کشور به قصد استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، آن هم در چارچوب حقوق و اختیارات اعضای پیمان منع گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای و سازگار بر احکام اسلام است که تولید سلاح هسته‌ای را حرام می‌داند. تصمیم ایران بر ادامه برنامه هسته‌ای و افتخار پرزیدنت احمدی نژاد به سه برابر کردن تعداد سانتریفوژها (۱۶) همه به گونه‌ای مستقیم از موهبت نفتی ایران سرچشمه می‌گیرد. (۱۷) اگر ایران به چنین درآمد هنگفت نفتی دسترسی نداشت نمی‌توانست به پشتیبانی دو عضو صاحب حق و توی شورای امنیت سازمان ملل متحد، یعنی روسیه و چین، اتکا کند. نیاز فزاینده چین به منابع انرژی و به صدور کالاهای وابسته به نفت، پیوندهای کنونی و بالقوه مسکو به خریدهای تسلیحاتی و برنامه جاه‌طلبانه انرژی هسته‌ای ایران و نیاز فزاینده اتحادیه اروپا به نفت، و به ویژه به ذخایر گاز، ایران، همه دست به دست هم داده‌اند تا مانع صدور قطعنامه‌های کارآتری علیه ایران شوند. برنامه گسترده هسته‌ای ایران (و دورنمای احداث نیروگاه‌های هسته‌ای دیگر علاوه بر نیروگاه ساخت روسیه در بوشهر) بر پایه خریدهای وابسته به درآمد نفتی عملی شده است. همانگونه که به‌تازگی در سرمقاله مستدلی مطرح شده است، تحریم‌های اعمال شده بر ایران تاکنون دارای گزندگی لازم نبوده‌اند، زیرا همه بازیگران اصلی، به جز آمریکا، دلایل اقتصادی قابل ملاحظه‌ای دارند که ایران را بیش از حد زیر فشار نگذارند. (۱۸)

با اطمینانی قاطع نسبت به نیاز جهان به نفت و گاز ایران، مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی قطعنامه‌های سازمان ملل متحد را به تمسخر می‌نگرند و تحریم‌های یک جانبه آمریکا بر شبکه‌های مالی و بانکی ایران را بی‌اثر می‌شمرند. تهران در مقابل همه قطعنامه‌های سازمان ملل متحد موضعی سرکشانه اتخاذ کرده و آنها را از نظر حقوقی مخدوش و از نظر سیاسی تحمیلی خوانده است. (۱۹) بر پایه این اعتماد به نفس بی پایه است که احمدی نژاد و معاون اول او قطعنامه‌ها را کاغذ پاره‌هایی بیش نمی‌دانند و وزیر نفت ایران تحریم‌ها را حربه‌های قدیمی و از کار افتاده دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ می‌خواند. با اشاره به حضور ۵۰۰ شرکت از ۳۰ کشور جهان در سیزدهمین نمایشگاه نفت و گاز ایران، در ۲۰ آوریل ۲۰۰۸، وی

اظهار اطمینان کرد که ایران می‌تواند در مقابل تحریم‌ها مقاومت کند. (۲۰) معاون وزارت نفت نیز، با تایید بر این که همه بانک‌های عمده تجاری جهان روابط مالی خود را با ایران به طور رسمی محدود کرده‌اند، گفت که رؤسای مجرب این بانک‌ها در آن حد قابلیت دارند که بدانند چگونه فعالیت‌های مالی خویش را به گونه‌ای غیرمستقیم ادامه دهند. (۲۱) گزارش‌ها همچنین حاکی از آن است که بانک‌های منطقه خلیج فارس، چین و دیگر نقاط آسیا روابط عادی خود را با ایران ادامه داده و حتی خلاء حاصل از عقب‌نشینی بانک‌های غربی را جبران کرده‌اند. (۲۲)

جالب آن است که بی‌اعتنا به دعوی مستمر مقام‌های دولت جمهوری اسلامی در بی‌اثری تحریم‌ها، وزیر امور خارجه کشور در یک نامه ۲۰ صفحه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کرد که ایران حق خود را در اتخاذ اقدامات لازم قانونی برای جبران زیان‌های ناشی از تحریم‌ها حفظ می‌کند. (۲۳) تردیدی نیست که تحریم‌های سازمان ملل متحد و به ویژه آمریکا در مورد ایران (۲۴) هزینه مبادلات مالی خارجی ایران را افزایش داده، دستیابی ایران را به منابع مالی خارجی محدود کرده و برخی فعالیت‌های تجاری (به عنوان نمونه بازرگانی دریایی) آن را مختل ساخته‌اند. (۲۵) حتی گزارش ژانویه سال ۲۰۰۸ دفتر محاسبات دولت آمریکا، که از بی‌اثر بودن تحریم‌های آمریکا به علت موفقیت ایران در جذب ۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی ایران در سال ۲۰۰۳ سخن می‌گوید (۲۶)، تنها به ارقام غیرقابل اطمینان سرمایه‌گذاری اشاره می‌کند و به این واقعیت نمی‌پردازد که تحریم‌ها آشکارا تأثیری منفی بر اقتصاد ایران داشته‌اند. (۲۷) با این حال، تردید نباید کرد که افزایش قیمت نفت، اقتصاد ایران را در مقابل تحریم‌های گوناگون تا حدود زیادی ایمن نگاه داشته است. (۲۸)

بلای نفت

همراه با برکت‌های نفت، بلاهاتی نیز در آن نهفته است که عوارضشان را در عرصه‌های متنوع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی- اجتماعی ایران می‌توان دید. اقتصاد سیاسی ایران اولین قربانی این بلا است. ثروت بادآورده نفت به طور مستقیم و بی‌واسطه منابع مالی دولت را گسترش می‌دهد. در رژیم‌های غیردمکراتیک مانند رژیم جمهوری اسلامی ایران، پول بیشتر قدرت بیشتر به دولت می‌بخشد. با افزایش منابع مالی در دست دولت، حجم بخش عمومی اقتصاد، خود به خود افزایش می‌یابد و سهم بخش خصوصی کاهش. از سوی دیگر، همراه با کاهش نیاز دولت به دریافت مالیات از شهروندان، میل به خودکامگی در حاکمان تشدید می‌شود و گرایش به دموکراسی تضعیف.

حجم بزرگ و گسترش ناگهانی درآمد بادآورده دولت نیز بر مشکلات تخصیص بودجه دولتی می‌افزاید. اعتقاد نادرست به این که کمبود سرمایه عامل اصلی عقب‌ماندگی، بیکاری، فقر و دیگر مشکلات اجتماعی- اقتصادی است، مسئولان را بر آن می‌دارد که با رهیافتی عجولانه و زیاده‌خواهانه به تقسیم و مصرف موجودی خزانه دولت روی آورند. فشار سیاسی برای مصرف هر چه زودتر این ثروت به منظور ریشه کردن فقر، بیماری و محرومیت، به نوبه خود با پیامدهای ناخواسته و یکسره زیان بار همراه است. چنین رهیافتی خواه ناخواه تحلیلی عقلانی سود و زیان را در برنامه‌های توسعه نادیده می‌گیرد و به حیف و میل و قانون‌شکنی و فساد گسترده می‌انجامد. (۲۹)

عملکرد دولت احمدی نژاد در سه سال گذشته نمایانگر روشن این پدیده است. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ متوسط قیمت نفت خام ایران از بشکه ای ۵۰/۷ دلار به ۹۲ دلار رسید و طی سه سال ایران ۱۹۴ میلیارد دلار از فروش نفت و ۲۶ میلیارد دلار از فروش سایر تولیدات نفتی یعنی در مجموع ۲۲۰ میلیارد دلار درآمد داشت. این مبلغ معادل درآمد نفتی ایران طی ۱۶ سال از سال ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۴ بود. به سخن دیگر، ایران درآمد پیش‌بینی شده ۶۰ ماهه خود را در برنامه چهارم ۲۰۰۵-۲۰۱۰ طی ۱۷ ماه به دست آورد. بر اساس پیش‌بینی برخی اقتصاددانان هر ۱۰ دلار افزایش در قیمت روزانه نفت خام اگر به درستی استفاده شود باید تولید ناخالص داخلی را ۱ درصد افزایش دهد. (۳۰) با این حال نرخ رشد ۴/۸ درصدی تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۰۴ ایران، به ۵/۷ در سال ۲۰۰۵، ۶/۳ در سال ۲۰۰۶ و ۵/۸ در سال ۲۰۰۷ رسید. این رقم به طرز چشمگیری کمتر از پیش‌بینی رشد ۹ درصد و ۸ درصدی است که هدف برنامه توسعه چهارم بود. (۳۱) با این حال، همراه با افزایش قیمت و درآمد نفت، بودجه‌های جاری و توسعه دولت نیز هر سال بیش از ۱۰ درصد افزایش یافت. (۳۲)

اما، به سبب بهره‌برداری نادرست از درآمد جدید، این ثروت باد آورده نتوانست نرخ دو رقمی بیکاری را پایین آورد و از فقر بکاهد. در واقع، به سبب وجود یک نظام مالیاتی آشفته و کم‌ثمر، و تخصیص و تقسیم غیرشفاف ثروت تازه، درآمد نفت در بین لایه‌های گوناگون اجتماعی عادلانه تقسیم نشد. افزون بر این، فقر نیز که، بر اساس برآوردهای گوناگون دولت، ۹ تا ۱۵ میلیون نفر، یعنی ۱۳ تا ۲۰ درصد جمعیت ایران، گرفتار آن اند نه تنها کمتر نشده بلکه گسترش یافته است. (۳۳)

بر پایه یک برآورد تازه، ضریب جینی (Gini) درآمد-مقیاس از صفر تا یک از توزیع ثروت در کشور که در آن «یک» نشان توزیع کاملاً ناموزون است- در سه سال گذشته از ۰/۴۳ به ۰/۵۸ افزایش یافته است. (۳۴) در همان حال، به رغم ۵۰ درصد افزایش واردات-که ایران را از صادرکننده غذا به واردکننده آن تبدیل کرد- (۳۵)، شاخص قیمت کالاهای مصرفی از ۱۰/۸ درصد در ماه اوت ۲۰۰۵ (که آقای احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری رسید)، به ۲۶ درصد در ماه ژوئیه ۲۰۰۸ (۳۶) افزایش یافت که بالاترین نرخ در منطقه و پنجمین نرخ بالا در جهان است.

به این ترتیب، اقتصاد ایران دچار بیماری معروف به بیماری هلندی شده است که در آن دو برابر شدن واردات وابسته به دلارهای نفتی به رقم ۵۲/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ (افزون بر حدود ۶ میلیارد دلار کالاهای قاچاق) (۳۷)، موفق به مهار تورم نشده است. علاوه بر این، در طی سه سالی که سهم کالاهای مصرفی در کل واردات سالانه از ۱۲ درصد به ۲۰ درصد دلارهای نفتی رسید، بخشهای مهمی از صنعت و کشاورزی کشور دچار رکود شد. (۳۸) کابینه مداخله‌جوی احمدی‌نژاد، به جای برخورد عقلانی با تورم و رکود، راه وارونه در پیش گرفت و رئیس‌جمهور با انکار کارائی «نسخه‌های پوسیده سرمایه‌داری»، کار دشوار دولت را دشوارتر کرد. (۳۹) از یک سو به علت سیاست‌های مالی- بودجه‌ای گسترش طلبانه دولت، کل نقدینگی از ۲۴/۶ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۴۱/۵ درصد در سال ۲۰۰۷ افزایش یافت. افزایش دو رقمی بودجه جاری سالانه کشور، تصویب سریع و ناسنجیده طرح‌های توسعه کشور طی سفرهای کابینه در شهرهای مختلف، پرداخت فله‌ای حقوق‌های عقب‌مانده و بازنشستگی کارمندان دولت، پرداخت وام‌های ارزان به زوج‌های جوان و دست‌اندازی‌های مکرر به صندوق ذخیره رزی برای پرداخت کسر بودجه، همگی چون هیزم خشک به شعله‌های آتش دامن زدند.

افزون بر این، رئیس‌جمهور این ایده ساده‌اندیشانه و نابخردانه را نیز پذیرفت که نرخ بهره بالا عامل اصلی تورم فزاینده است. وی، بار دهم‌بار اقتصاددانان، شخصا دستور کاهش بهره بانکی از ۲۴ درصد به ۱۶ درصد و سپس به ۱۲ درصد را صادر کرد. با این همه، در پی اجرای این دستور نرخ تورم سالانه از ۱۲ درصد به ۱۹ درصد افزایش یافت. بی‌عنایت به پیامد کاهش نرخ بهره و به استدلال کارشناسان دائر بر این که تنها ۵ درصد کل هزینه تولید صرف پرداخت بهره می‌شود، احمدی‌نژاد بار دیگر در سال ۲۰۰۸ نرخ بهره را برای برخی از بخش‌های اقتصاد کشور به ۱۰ درصد کاهش داد.

پیامد ناخواسته کاهش نرخ بهره به سطحی پایین‌تر از نرخ تورم تشویق معاملات استیجاری و نقل و انتقال‌های نقدینه از بازار رسمی به بازار سیاه بود که در آن نرخ بهره به رقم سرسام آور ۵۶ درصد می‌رسید. (۴۰) جای تعجب نیست که پس از کمتر شدن نرخ بهره از نرخ تورم، مردم اوراق وام درازمدت ۱۵ درصدی بانک مرکزی را دوباره نقد کرده‌اند. (۴۱)

نتیجه دیگر تصمیم متعصبانه رئیس‌جمهور این است که برخی از برنامه‌های عمده خصوصی‌سازی اقتصاد کشور که با تلاش فراوان در دوران دولت خاتمی آغاز شده بود یکسره متوقف شود. از جمله برنامه‌های قربانی شده می‌توان از آزاد کردن قیمت‌ها، کاهش مقررات حاکم بر بانک‌ها، آزادسازی تجارت، محدود و هدفمند کردن یارانه‌ها و اقدامی (هرچند مرددانه و محتاطانه) به سوی اقتصاد آزاد نام برد. از دیگر تبعات تصمیم رئیس‌جمهور را می‌توان بی‌توجهی عمدی وی به برنامه خصوصی‌سازی دانست که، به عنوان سیاستی در جهت تلفیق نیاز به رشد سریع با عدالت اجتماعی اسلامی، از حمایت رهبر جمهوری اسلامی نیز بهره‌مند شده بود. (۴۲) به سبب ترک این برنامه‌هاست که، بنا بر گزارش‌های اخیر بانک جهانی، شرایط ایران برای فعالیت‌های اقتصادی از رقم ۱۱۳ در میان ۱۷۵ کشور در سال ۲۰۰۵، به مقام ۱۱۹ در سال ۲۰۰۶ و ۱۳۱ در سال ۲۰۰۷ و ۱۳۵ در سال ۲۰۰۸ سقوط کرده است. (۴۳)

سیاست و دولتمداری، قربانی دوم بلای نفت در ایران بوده‌اند. پیامدهای منفی ثروت بادآورده نفت بر سیاست داخلی و خارجی ایران در رویدادها و روندهای گوناگون بازتاب یافته‌اند از جمله در دور شدن حکومت از جامعه باز و ارزش‌های دموکراتیک، روی آوردن به خودکامگی و اقتدارگرایی در داخل کشور و اتخاذ مواضع تهاجمی زیان‌بار در عرصه بین‌المللی. به سبب محروم ماندن قانون اساسی از ساختار و اصول ضروری برای ایجاد توازن در قوای مملکتی، ثروت نفت اقتدارگرایی را از دو راه مرتبط هم تقویت کرده است نخست، با افزایش یارانه مواد غذایی و سوخت، افزایش پرداخت‌های مربوط به رفاه عمومی و ارائه خدمات آموزشی و درمانی رایگان یا ارزان به توده مردم، دولت موفق شده تا دستکم بخشی از آنان را به حمایت از یک نظام غیردموکراتیک وادارد. دوم، درآمد سرشار دولت از صادرات نفت خام این

امکان را فراهم کرده که بودجه دولت همزمان با کاهش مالیات افزایش یابد. در چنین فضایی رهبران سیاسی تشنه قدرت، به خودکامگی و خود بزرگبینی روی می‌آورند و تکبر فروشی می‌کنند.

در چند سال گذشته، آثار مفسده‌انگیز برکت نفت بر نظام حکومتی ایران را در موارد متعدد می‌توان دید از جمله در نقض مستمر حقوق بشر، تحدید حقوق و آزادی‌های فردی، نالیمنی مردمان در برابر بازداشت‌ها و حبس‌های غیرقانونی، تعقیب و آزار مخالفان و استادان و دانشجویان آزاداندیش، سرکوب آزادی‌های قومی و مذهبی، محدودیت‌های گوناگون اجتماعی و تحمیل روز افزون احکام اخلاقی خشک اسلامی، محدودیت بیشتر آزادی مطبوعات (۴۴) تعطیلی ۲۲ سایت خبررسانی، تحدید و دخالت غیرقانونی در مراحل گوناگون انتخابات مجلس از جمله در فرایند رأی‌گیری و شمارش آراء، جلوگیری از ایجاد و فعالیت اتحادیه‌های کارگری و توسل به سیاست‌ها و قوانین تبعیض‌آمیز و بیمارگونه ضد زن. (۴۵) در «شاخص آزادی اقتصادی» ۲۰۰۸ که توسط بنیاد «هریج [Heritage]» به چاپ رسیده، جمهوری اسلامی در میان ۱۵۷ کشور جهان از نظر آزادی‌های عمومی در رده ۱۵۱ قرار گرفته است. (۴۶)

ثروت باد آورده نفت علاوه بر تامین بودجه نهادها و برنامه‌های دفاعی، امنیتی و انتظامی (از جمله پلیس، سپاه پاسداران و برنامه هسته‌ای)، در حد کافی بودجه برای تامین بیش از یک میلیون بسیجی و خانواده‌های آنها زیر پوشش یکی از سازمان‌های خیریه در اختیار دولت قرار می‌دهد. این ثروت کلان همچنین سبب شده که دولت احمدی نژاد خود را مسئول و موظف به پاسخگویی در برابر مردم نداند. وزیر نفت دولت اعتراف کرده است که به دستور رئیس جمهور مصوبه قانونی مجلس در مورد محدودیت ورود بنزین به ایران در سال ۲۰۰۷ را نادیده گرفته است. (۴۷) افزون بر این، احمدی نژاد یک رشته تصمیم‌های خودسرانه و آنی اتخاذ کرده است، از جمله: سرپیچی از مصوبات مجلس، برداشت غیرمعارف از «ذخیره ارزی» کشور، منحل کردن چند نهاد تخصصی مانند شورای پول و اعتبار؛ تبدیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به بخشی از دفتر ریاست جمهوری، افزایش روزهای تعطیل عمومی بدون مصلحت‌اندیشی از کارشناسان، و تعطیل شماری از سازمان‌های غیردولتی.

در همان حال، تبلیغات گسترده دولتی در تأیید این ادعا که هر حمله‌ای از سوی آمریکا و یا اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای ایران (و یا رویداد هر فاجعه هولناکی در خاورمیانه) بهای نفت خام را به بالای بشکه‌ای ۲۰۰ دلار خواهد رساند (و بنابر این روی نخواهد داد) تأثیر منفی خود را به همراه داشته است. این ادعا به جسارت بیشتر محمود احمدی نژاد انجامیده و زبانش را به پرخاشگری‌هایی و اداشته که گاه به هذیان‌گویی‌های تمسخر برانگیز بی‌شبهت نیست. به عنوان نمونه، او در سخنانی خطاب به گروهی از روحانیان مشهد ادعا کرد که «دستیابی ایران به تکنولوژی هسته‌ای» را باید بزرگترین معجزه تاریخ معاصر خواند. (۴۸) در سخنرانی دیگری در همدان، احمدی نژاد ایران را نه تنها ابر قدرت منطقه بلکه ابر قدرتی در مقیاس جهانی شمرد. (۴۹) وی در رجزخوانی دیگری ادعا کرد که ایران، به عنوان کانون رویدادهای دنیا، دارای دو رسالت الهی است، نخست تبدیل ایران به مدلی از توانمندی، پیشرفت و خداجویی برای مردم سراسر جهان، و دوم متحول ساختن مسیر حرکت جهان و مدیریت آن. (۵۰) او سپس غلو را به جایی رساند که ادعا کند: «جنبشی آغاز شده تا ما مدیریت جهانی را به عهده بگیریم. انشاءالله ایران محور رهبری این جنبش خواهد بود.» (۵۱) (نتیجه مستقیم این ادعاهای مضحک و پوچ این بوده است که ایران بیش از پیش منزوی شود و اعتبار جهانی‌اش به پایین‌ترین حد ممکن فرو افتد.

سرانجام بالای روانی- اجتماعی نفت پیدایش فرهنگ نفت زده‌ای است که رویاهای شیرین را جایگزین کار دشوار می‌کند. چنین ثروت بادآورده‌ای احساس اعتماد به نفس، ابتکار و اخلاق کار را از مردم عادی می‌ستاند و در عوض آنان را جیره‌خوار روزافزون دولت و وابسته به آن می‌کند. این فرهنگ استعدادهای اقتصادی و صنعتی را از مسیر ابتکار و کارآفرینی منحرف می‌کند و به سوی رانت خواری می‌راند. این چنین فرهنگ، گرچه در آغاز ناپایدار می‌نماید، به تدریج و با گذشت زمان و افزایش درآمد بادآورده نفت، به یک بیماری بومی تبدیل می‌شود.

یکی دیگر از عوارض بارز این طرز تفکر، اعتیاد مردم ایران به قیمت‌های نازل - و حتی در مواردی زیر هزینه تولید- کالاها و خدمات عمومی است. تهدید ضمنی به شورش علیه هر تلاشی برای تنظیم قیمت‌ها از پیامدهای این اعتیاد است. هم اکنون در ایران جمهوری اسلامی کالاهایی چون سوخت، مواد غذایی، دارو و خدمات عمومی (آب، برق، تلفن و وسایل نقلیه عمومی) مشمول یارانه‌های کلان‌اند. مجموع یارانه‌های دولت، کمک‌های مالی و فروش‌های دولتی زیر هزینه تولید، توسط دولت در سال ۲۰۰۸ به ۲۵ میلیارد دلار افزایش یافته است. (۵۲) اما اگر ارزش نفت، گاز و بنزین به بهای جاری در کشورهای خلیج فارس حساب شود، کل حجم یارانه‌ها و کمک‌ها به ۱۰۰ میلیارد دلار می‌رسد و این در کشوری است که

تولید ناخالص داخلی سالانه آن، کمتر از ۲۹۰ میلیارد دلار برآورده می‌شود. (۵۳) تلاش‌های برخی از سیاست‌گران از اوایل دهه ۹۰ تا به حال برای افزایش تدریجی قیمت‌ها و نزدیک کردن آنها به قیمت‌های بین‌المللی با شکست رو به رو شده است. حتی تکلیف قانونی روشنی که درباره تحقق این هدف در برنامه چهارم (۲۰۱۰-۲۰۰۵) گنجانده شده و از تصویب مجلس هم گذشته بود در مجلس هفتم، به عنوان هدیه سال نو به ملت، ملغی شد. با آن که همگان به این واقعیت آگاه‌اند که سود بسیاری از این یارانه‌ها نصیب ۱۰ تا ۲۰ درصد پر درآمدترین افراد جامعه می‌شود، تلاش‌های متعدد برای بهتر کردن این وضع توسط اکثریت نمایندگان مجلس که نگران انتخاب مجدد خود هستند، خنثی شده است. (۵۴) از دیگر نشان‌های این طرز فکر، فرار از کار دشوار، راحت‌طلبی، اشتیاق به میان برزیدن و اتکا به یاری دیگران به جای خلاقیت است. کارمندان و کارگران ایران علاوه بر جمعه و بخشی از پنجشنبه، در سال ۲۵ روز تعطیل دارند (در مقایسه با متوسط ۱۳/۵ روز در جهان). به این ترتیب، تعداد روزهای کاری سال حدود ۲۲۰ روز است که خود به کاهش بیشتر بازدهی کار کمک می‌کند. (۵۵) میانگین بازدهی نیروی کار ایرانی بین ۰/۹ تا ۱/۹ درصد تخمین زده می‌شود که از میزان بازدهی سرمایه در سه سال گذشته بالاتر است. (۵۶) در نتیجه، افزایش میزان بازدهی سالانه به ۲/۲ درصد، که هدف برنامه چهارم است تاکنون تحقق نیافته و به بیش از ۱/۳ درصد رسیده است. (۵۷)

با چنین طرز تفکری حتی آرمان والای سنت اسلامی قرض‌الحسنه هم رنگ باخته و این سنت دیرین به وسیله‌ای برای طمع‌ورزی و سودجویی تبدیل شده است. بانک‌های بازرگانی دولتی حساب‌های قرض‌الحسنه برای خواستاران آن باز می‌کنند اما به جای پرداخت بهره به دارندگان این گونه حساب‌ها فرصت می‌دهند که در بخت‌زمانی‌های سالانه و چند میلیون ریالی بانک شرکت کنند. به امید بردن جوایز این بخت آزمایی‌ها، شمار حساب‌های قرض‌الحسنه بیشتر از حساب‌های عادی و بهره‌دار شده است. قابل توجه آن که صاحبان بسیاری از این حساب‌ها نه متدین‌اند و نه متمول، بلکه مردم کم‌درآمد که تنها به امید بردن جایزه‌های کلان، اندوخته خود را در حساب قرض‌الحسنه می‌گذارند. (۵۸)

بدترین ویژگی فرهنگ نفتی دگرپرسی و نهادی شدن فساد است که در گذشته محدود به طبقات اجتماعی خاصی بود. این دگرپرسی، بر همه جنبه‌های زندگی مردم ایران و سراسر پیکر نظام تجاری کشور تاثیر گذاشته است. واقعیت این است که هیچ کار عادی اداری بدون پرداخت رشوه ممکن نیست، از رشوه به پلیس کم‌درآمد برای جلوگیری از جریمه رانندگی گرفته تا تطمیع قاضی دادگاه انقلاب برای تیرنه کردن شهروند متهم به نقض احکام نهی از منکرات. (۵۹) از پیامدهای آشکار چنین وضعی این است که شیوه انجام فعالیت‌های روزمره، نامطلوب‌تر می‌شود. در این مرحله، فساد نهادینه شده، شکل‌های مختلف و ظریف‌تری به خود می‌گیرد، از جمله گرفتن مجوز خاص برای واردات یا صادرات کالا (۶۰)، تغییر ناگهانی تعرفه‌های وارداتی- که تنها معدودی از آن آگاه‌اند- (۶۱)، فروش کالا از طرف شرکت‌های دولتی منحصر به افراد مورد نظر و به قیمت نازل تا بتوان کالا را در بازار آزاد به بهای بیشتر فروخت (۶۲) و پرداخت وام‌های کلان توسط بانک‌های دولتی به متقاضیان با نفوذ که معمولاً با اهمال در بازپرداخت وام بانک وام‌دهنده را مستأصل خود می‌کنند. (۶۳)

هنگامی که حجم برخی از معاملات تجاری (مانند توسعه یک حوزه نفت یا گاز) به صدها میلیون و حتی میلیارد دلار می‌رسد، حق کمیسیون واسطه‌ها که به آن «مزد توفیق» گفته می‌شود نه ناچیز است و نه ارتباطی با استیصال واسط دارد. (۶۴) می‌گویند میلیون‌ها دلار به مقامات متنفذ دولتی داده می‌شود که می‌توانند انجام معاملات بزرگ را تسهیل کنند. نویسنده مقاله‌ای- که در آن مؤسسه «شفافیت بین‌الملل» [Transparency International] «ایران را به عنوان یکی از فاسدترین کشورها معرفی کرده است- از قول یک بازرگان نروژی که شرکتش به جرم پرداخت رشوه محکوم شده بود می‌نویسد «واقعیت پذیرفته شده این است که شرکت‌های فعال در ایران باید به نحوی به جامعه ایران خدمتی ارزنده کنند!» یک واسطه ایرانی که معامله ۱/۸ میلیارد دلاری را وساطت کرده نیز اذعان می‌کند «معامله با ایران بدون پرداختن پول به واسطه‌ها ممکن نیست.» (۶۵) بر اساس آخرین گزارش مجله شفافیت بین‌الملل، ایران در زمینه فساد مالی در میان ۱۷۹ کشور از رده ۷۸ در سال ۲۰۰۳ به رده ۱۰۵ در سال ۲۰۰۶ و رده ۱۳۱ در سال ۲۰۰۷ رسیده است. (۶۶)

زخم خورده از سقوط روز افزون اعتبار ایران، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس با اشاره به فرمان هشت ماده‌ای رهبر برای مبارزه با فساد که در سال ۲۰۰۱ صادر شد، در اوایل ۲۰۰۸ گزارشی انتشار داد که در آن ۵۳ پرونده از ۴۰۰ پرونده محرمانه به تفصیل تشریح شده است. این گزارش تخلفات فاحش مسئولان دولتی را در هفت زمینه معاملات املاک، بانک و بیمه، صنایع، نفت، آموزش، قوه قضاییه، و اتومبیل‌سازی افشا می‌کند. (۶۷) با نقض اصل مندرج در قانون مصوبه مجلس، در سال ۲۰۰۶ که بر اساس آن متخلفان باید معرفی شوند و با وجود اعتراض بسیاری از نمایندگان کمیسیون اصل ۹۰، با استناد به حکم رئیس قوه قضاییه که بر اساس آن پیش از صدور حکم دادگاه نام متهمان باید مخفی بماند، از اعلام نام این

افراد خودداری شد. (۶۸) در حال حاضر نیز کشمکش بین رئیس جمهور، که مافیای نفتی را عامل همه شکست‌های سیاسی‌اش می‌داند، و منتقدان او که اصرار می‌ورزند نام متهمان را اعلام کند، ادامه دارد.

چند واقعیت عربیان

با همه منابع غول‌آسای انرژی و موقعیت ممتاز ایران در منطقه، وضع جمهوری اسلامی رشک‌آور نیست. اقتصاد کشور به نحو غم‌انگیزی اداره می‌شود. با مشکلات پیچیده اقتصاد ایران به نرخ دو رقمی تورم، نرخ بیکاری بالا و رشد ناچیز محدود نمی‌شود. این اقتصاد در برابر سقوط غیرقابل پیش‌بینی بهای نفت و تحریم‌های جدی بین‌المللی نیز آسیب‌پذیر به نظر می‌رسد. طرفه در این است که آینده خودکفایی ایران در زمینه فرآورده‌های نفتی یا گاز طبیعی نیز روشن نیست. جهان می‌تواند با گشودن ذخایر راهبردی نفت، بهر موری از مازاد ظرفیت تولید سایر کشورهای نفت خیز، تولید خودروهای کم‌مصرف و استفاده از منابع جایگزین نفت، و در صورت لزوم افزایش قیمت آن، بدون نفت ایران هم سر کند. در مقابل، ایران به سبب احتیاج حیاتی‌اش به درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت برای تامین نیازهای عمده داخلی، از جمله بنزین و پرداخت هزینه‌های روزمره دولت، حتی وقفه زودگذری را نیز نمی‌تواند تحمل کند. بدون نفت قلب اقتصاد ایران در کوتاه زمانی از حرکت باز خواهد ایستاد.

اعتماد بیش از حد به منابع بزرگ انرژی به عنوان اهرمی نیرومند جمهوری اسلامی را برانگیخته است تا در برابر جامعه بین‌المللی به سرکشی برخیزد و، با اصرار بر ادامه غنی‌سازی اتمی، ایران را به مهلکه‌ای دیگر اندازد. بر پایه همین اعتماد است که احمدی نژاد ادعا کرده که ایران قدرتی جهانی است توانا به حل مسائل جهان؛ ادعایی که رژیم ایران را آماج تمسخر جهانیان ساخته است. (۶۹) پرسش این است که اگر به جای نفت و گاز، آب شیرین و زمین زراعتی بیشتر نصیب ایران شده بود، آیا وضع اجتماعی اقتصادی و سیاسی ایران بسی بهتر از آنچه هست نمی‌بود؟*

*متن انگلیسی این نوشته را که در (The Brown Journal of World Affairs شماره پانز و زمستان ۲۰۰۸) منتشر شده، فاطمه امان به فارسی برگردانده است.

یادداشت‌ها:

۱. برای مآخذ این ارقام ن. ک. به:

British Petroleum Annual Statistical Review, 2008, 14 April 2008, <http://www.jeslami.com/1387>; and <http://www.donya-e-eqtasad.com> / (12 August 2008)

برگرفته از گزارش‌های بانک مرکزی ایران

۲. این تخمین از برآورد سازمان جهانی تجارت که میانگین ارزش افزوده کالاهای صنعتی را ۵ درصد دانسته بهتر است. ن. ک. به (9 April 2008) www.donya-e-eqtasad.com :

۳. ن. ک. به :

“Iran Oil and Gas,” Middle East Economic Digest 45, no. 5, 2 February 2001.

۴. ن. ک. به:

Stanley Reed, “Surprise: Oil Woes in Iran,” Business Week, 30 November 2006; Karl Beckman, “The West vs Iran,” www.antiwar.com, 18 March 2008; and Middle East Economic Survey, 18 September 2006.

۵. ن. ک. به: روزنامه سرمایه، ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۸ / <http://www.sarmayeh.net>

۶. ن. ک. به:

Robin Pagnamenta, “Iran supply problems add to fears of oil hitting \$200 a barrel,” Times Online, 7 May 2008, http://business.timesonline.co.uk/tol/business/industrysectors/natural_resources/article3882663.ece.

۷. ن. ک. به: امروز، ۲ دسامبر ۲۰۰۷ و:

Roger Stern, “The Iranian Petroleum Crisis,” Proceedings of the National Academy of Sciences, 26 December 2006.

۸. اطلاعیه مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، همشهری آنلاین، ۱۲ مارس ۲۰۰۳.

- <http://www.hamshahri.net>;
نیز ن. ک. به: اطلاعیه رئیس بخش صادرات همان شرکت، همشهری آنلاین، ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۷ .
۹. بیانیه وزارت نفت، جمهوری اسلامی، ۲۸ آوریل ۲۰۰۷
<http://jomhourieslami.com/1386>
۱۰. اطلاعیه مدیر اجرایی شرکت گاز ملی ایران، به نقل از :
“Economics of Gas,” Iran Economics, May 2008.
۱۱. ن. ک. به:
Narsi Ghorban, “Monetizing Gas Reserves: Iran’s Options,” Middle East Economic Survey, 26
November 2001; and Narsi Ghorban, “Iran’s Future Gas Development and Exports,” Middle
East Economic Survey, 25 February 2008.
<http://jomhourieslami.com/1386>، ۲۸ آوریل ۲۰۰۷،
۱۲. جمهوری اسلامی،
۱۳. پس از اعلام خودکفائی ایران در تولید گندم و حتی آمادگی اش برای صادرات این محصول در سال ۲۰۰۶، دولت
ایران به تازگی پروانه ورود ۲ تن گندم را در سال ۲۰۰۸ همراه با یک تن جو و اقلام مشخص نشده دیگر، مانند گوشت،
روغن غذایی، و میوه جات، صادر کرده است. ن. ک. به ۱۶، www.jeslami.com/1387 April 2008 :
۱۴. ن. ک. به :
“Countering Iran,” editorial, Washington Post, 23 April 2008, <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2008/04/12/AR2008041201848.html>.
۱۵. برای متن این قطعنامه‌ها ن. ک. به :
“UN Adds Third Layer to Iran Sanctins,” The Washington Post, 4 March 2008,
<http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2008/03/03/AR2008030302816.html>.
۱۶. ن. ک. به :
Nazila Fathi and William J. Broad, “Iran says it’s installing new centrifuges,” International
Herald Tribune, 9 April 2008, / <http://www.ihl.com/articles/2008/04/08/africa/09iran.php>.
۱۷. ن. ک. به :
Thomas Erdbrink, “Iran Affirms Its Defiance On Nuclear Program,” The Washington Post, 21
February 2008.
۱۸. ن. ک. به :
“Too Easy to Refuse,” editorial, The New York Times, 28 January 2008.
۱۹. ن. ک. به :
Robin Wright and Colum Lynch, “U.N. Imposes New Sanctions on Iran, ”The Washington Post,
4 March 2008, / <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/story/2008/03/03/ST2008030303272.html>.
۲۰. ن. ک. به :
“Iran to Invest \$500b in Hydrocarbon Sector,” 21 April 2008, <http://english.farsnews.com/newstext.php?nn=8702020789>.
۲۱. رادیو فردا، ۲۱ آوریل ۲۰۰۸ / www.radiofarda.com
۲۲. ن. ک. به:
Steven R. Weisman, “U.S. Sanctions Force World Bank to Halt some Iran Aid,” The New York
Times, 5 November 2007.
۲۳. ن. ک. به:
Patrick Worsnip, “Iran threatens legal action over U.N. Sanctions,” International Herald
Tribune, 27 March 2008./<http://www.ihl.com/articles/reuters/2008/03/26/africa/OUKWD-UK-IRANNUCLEAR-UN.php>.
۲۴. ن. ک. به:
Anna Fifield and Javier Blas, “Shell and Repsol drop Iran gas project,” Financial Times, 11 May
2008. / <http://www.ft.com/cms/s/0/2428c5c6-1f83-11dd-9216->

000077b07658.html?nclick_check=1.

۲۵. به گزارش رئیس یک شرکت حمل و نقل کشتیرانی ایرانی، به علت خودداری شرکت های خارجی از حمل کالاهای زیر پرچم ایران، این شرکت تصمیم گرفته است که از پرچم های مصلحتی استفاده کند. ن. ک. به: April, 2008 / 24

<http://emruz.biz>

برای آگاهی از نظریکی از معاونان متنفذ مجلس شورای اسلامی در این باره ن. ک. به :

www.sarmayeh.net, 18 May 2008.

: ۲۶. ن. ک. به <http://hamshahrionline.ir>, 16 January 2008, Hamshahrionline.

۲۷. ن. ک. به:

“Iran Sanctions Ripple Past Those in Power,” The Los Angeles Times, 20 January 2008.

۲۸. ن. ک. به:

Farnaz Fassihi and Chip Cummins, “Iranians Scheme to Elude Sanctions,” The Wall Street Journal, 13 February 2008.

۲۹. برای نمونه هایی در مورد ایران ن. ک. به:

Jeslami.com, 12 April 2008, / www.jeslami.com/1387.

۳۰. پیش بینی یکی از رؤسای سابق سازمان برنامه و بودجه، به نقل از :

Hamshahrionline www.hamshahrionline.ir.

۳۱. ن. ک. به <http://emruz.biz>, 3 May 2008. نیز ن. ک. به: ایران اکونومیست فروردین ۱۳۸۷.

۳۲. پرزیدنت احمدی نژاد افتخار کرده است که در دو و نیم سال گذشته دولت وی، ۹۹ هزار طرح تازه به راه انداخته است و ۴۹ هزار از آنها به بازدهی رسیده اند. ن. ک. به:

BBC Monitoring International Reports, 6 May 2008.

نیز ن. ک. به www.payvand.com/news Payvand, 3 April 2008

33. ن. ک. به: گزارش اختصاصی، و نیز گفته های یک مقام بلندپایه برنامه ریزی در این باره، سرمایه، ۵ و ۲۸ مه

۲۰۰۸. www.sarmayeh.net.

: ۳۴. ن. ک. به www.hamshahrionline.ir, Hamshahri Online, 22 May 2008

35. ن. ک. به <http://emruz.biz>, Emruz, 29 June 2008

۳۶. ن. ک. به www.iran-times.com / Iran Times International, 9 May 2008

۳۷. ن. ک. به www.jeslami.com/1387, Jeslami, 12 May 2008

۳۸. برای جزئیات بیشتر درباره این وضعیت، ن. ک. به :

Jahangir Amuzegar, “Iran’s Rising New Threats,” Middle East Economic Survey, 4 January 2008.

برای تأییدی تازه در باره پیدایش این "بیماری" در اقتصاد ایران، ن. ک. به :

www.hamshahrionline.ir/News, 7 April 2008.

۳۹. سخنرانی در جمع روحانیون شهر همدان به نقل از: 24 <http://emruz.biz> April 2008 ن. ک. به :

Jeslami, 16 May 2008, www.Jeslami.com/1387

۴۱. ن. ک. به www.jeslami.com/1387, Jeslami, 14 May 2008

همچنین ن. ک. به: انتقاد هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری پیشین ایران:

www.radiofarda.com, 19 May 2008.

۴۲. برای گزارش عقبگرد در زمینه خصوص سازی ن. ک. به:

www.hamshahrionline.ir/News, 14 April 2008.

۴۳. دنیای اقتصاد، ۵ مه ۲۰۰۸، و جمهوری اسلامی، ۹ جولای ۲۰۰۸.

۴۴. بر اساس گزارشی تازه، در سال ۲۰۰۷ دولت ایران در هر 36 ساعت یک رسانه عمومی، روزنامه، و یا مجله را تعطیل کرده است. در همین سال، ۲۳ روزنامه نگار دستگیر و ۴۲ نفر از آنها در دادگاه محکوم شدند. ن. ک. به :

"International Journalists' Network, 10 May 2008, <http://www.ijnet.org/>

director.aspx?P=Article&ID=307631&LID=1.

۴۵. برای متن کامل این تخلفات ن. ک. به <http://emruz.biz>, Emruz, 18 May 2008.

۴۶. ن. ک. به :

“Index of Economic Freedom: Iran,” Heritage Foundation, 2008, <http://www.heritage.org/research/features/index/country.cfm?id=Iran>.

برای گزارشی دیگر در همین مورد، ن. ک. به :

The 2008 annual report of the Defenders of Human Rights Center, Iran Times International, 23 May 2008, www.iran-times.com.

۴۷. ن. ک. به. www.jeslami.com/1387, 12 May 2008, Eslami,

۴۸. دنیای اقتصاد، ۱۱ آوریل ۲۰۰۸. www.donya-e-eqtesad.com /

۴۹. ن. ک. به. Emruz, 23 April 2008, <http://emruz.biz> :

۵۰. ن. ک. به. <http://emruz.biz>, 10 April 2008, Emruz,

۵۱. ن. ک. به :

Thomas Erdbrink, “Ahmadinejad Criticized for Saying Long-Ago Imam Mahdi Leads Iran,” The Washington Post, 8 May 2008.

۵۲. سرمایه، ۱۷ مه ۲۰۰۸. www.sarmayeh.net /

۵۳. سخنان وزیر دارایی، و معاون وزیر نفت، به گزارش دنیای اقتصاد، ۶ آوریل ۲۰۰۸.

www.donya-e-eqtesad.com, 6 April, 2008.

برای آگاهی بیشتر در باره این موضوع، ن. ک. به: سرمایه، ۲۹ آوریل ۲۰۰۸ و ۱۷ مه

۲۰۰۸. www.sarmayeh.net .

۵۴. ن. ک. به. www.jeslami.com/1387, 12 May 2008, Jeslami :

۵۵. برای آگاهی بیشتر، ن. ک. به. Emruz, 7 January 2008, <http://emruz.biz> , :

۵۶. ن. ک. به: Iran Economics, May 2008: نیز ن. ک. به: سرمایه، ۲۳ مه ۲۰۰۸ .

www.sarmayeh.net

۵۷. ن. ک. به. Jeslami, 15 June 2008 <http://www.jeslami.com/1378> :

۵۸. سرمایه، ۲۶ آوریل ۲۰۰۸. www.sarmayeh.net /

۵۹. در واقع، این پرداخت ها نه رشوه که مالیات بی واسطه ای شمرده می شود که برای جبران کمبود حقوق کارمندان

دولت به آنان تعلق می گیرد .

۶۰. دنیای اقتصاد، ۶ مه ۲۰۰۸. www.donya-e-eqtesad.com /

۶۱. دنیای اقتصاد، ۱۱ دسامبر ۲۰۰۷. www.donya-e-eqtesad.com /

۶۲. جمهوری اسلامی، ۱۲ دسامبر ۲۰۰۷. <http://jomhourieslami.com/1386> . /

۶۳. ایران امروز، ۱۴ مه ۲۰۰۸. www.iran.emrooz.net .

بر اساس این گزارش، از پایان سال ۲۰۰۴ تا پایان سال ۲۰۰۷، رقم وام‌های کلان بانک‌های دولتی از ۳۵ هزار میلیارد ریال

به ۱۵۰ هزار میلیارد افزایش یافت .

۶۴. ن. ک. به: اظهارات رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، سرمایه، ۲۳ مه ۲۰۰۸ .

www.sarmayeh.net.

۶۵. ن. ک. به :

Kambiz Foroohar, “Rafsanjanis are Iran’s Power Brokers for Investors,” Bloomberg Market Stories, 21 April 2004.

۶۶. ن. ک. به :

Transparency International, Global Corruption Report 2007 (New York: Cambridge University Press, 2007).

۶۷. امروز، ۳۰ مه ۲۰۰۸. <http://emruz.biz> /

۶۸. دنیای اقتصاد، ۳۰ مه ۲۰۰۸. www.donya-e-eqtesad.com /

۶۹. ن. ک. به :

Iran Times International, 13 June 2008 and 25 July 2008. / www.iran-times.com.

